

بررسی اولویت‌های ارزشی معلمان و ارتباط آن با برخی عوامل اقتصادی-اجتماعی (مورد مطالعه: معلمان شهرستان بروجن)^۱

اصغر میرفردی^۲، سیروس احمدی^۳، زهره رفیعی بلداجی^۴

(تاریخ دریافت ۸۹/۱۲/۲۳، تاریخ پذیرش ۹۰/۹/۳۰)

چکیده

ارزش‌ها از بنیادی‌ترین عوامل جهت‌دهنده رفتارهای انسانی در هر جامعه‌ای به شمار می‌آیند و نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایفا می‌کنند. اولویت‌های ارزشی که از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت دارند بازتاب تجربه‌های متفاوت مردم مختلف هستند. این مطالعه با استفاده از نظریه تحول فرهنگی اینگلهارت، درصد شناخت اولویت‌های ارزشی معلمان و ارتباط آن با برخی عوامل اقتصادی-اجتماعی است. داده‌های پژوهش به شیوه پیمایشی و با استفاده از پرسش‌نامه گردآوری شده است. حجم نمونه شامل ۳۴۳ معلم شاغل در اداره آموزش و پرورش شهرستان بروجن بوده که به شیوه تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شده بودند. نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش نشان دادند که معلمان دارای اولویت‌های ارزشی مادی-گرایانه هستند و تفاوتی در اولویت‌های ارزشی گروه‌های سنی مختلف معلمان مشاهده نشد. از بین متغیرهای مستقل تحقیق "احساس امنیت اجتماعی"، "جنسیت" و "درآمد" رابطه معناداری با اولویت‌های ارزشی داشتند.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد زهره رفیعی بلداجی است که با راهنمایی اصغر میرفردی انجام شده است.

As_mirfardi@mail.yu.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه یاسوج

۳. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه یاسوج

۴. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره پنجم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰

واژگان کلیدی: اولویت‌های ارزشی، ارزش‌های مادی، ارزش‌های فرامادی، اینگلهارت، معلمان، بروجن.

مقدمه

مفهوم ارزش از مفاهیم پیچیده با کاربرد بسیار و معانی متنوع می‌باشد. برای مثال، این واژه در فلسفه، حقوق، روان‌شناسی، علوم اقتصادی، سیاست، جامعه‌شناسی و علم اخلاق به معانی متفاوتی به کار رفته است. ارزش در جامعه‌شناسی به معنای خوب یا بد، شایسته و مطلوب یا ناشایست و نامطلوب در نزد یک فرد یا گروه تعریف شده است (گیدنز، ۱۳۸۲: ۵۶). بعضی نیز آن را هنجار و معیار انتخاب یک فرد یا گروه در میان علی‌البدل‌های مختلف مربوط به یک موقعیت تعریف کرده‌اند (خلیفه، ۱۳۷۸: ۴۵).

صاحب‌نظران مختلفی از جمله کراثول، کلاکهن، استرویک، پارسونز و روکیچ به سلسله مراتبی بودن ارزش‌ها توجه کرده‌اند. پنج مسئله اساسی را که در هر جامعه وجود دارد و باید پاسخی ارزشی (ترجیحی) به آن‌ها داده شود، مورد پژوهش میدانی قرار داده‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که نظام ارزش‌های یک جامعه فقط از ارزش‌های مسلط تشکیل نشده است، بلکه نظام ارزشی شامل مجموعه ارزش‌هایی است که به شکل سلسله‌مراتب قابل تغییر در هم آمیخته‌اند. در این میان، به‌ندرت ارزش‌های جدید ظهور می‌کنند. آنچه روی می‌دهد تغییر اولویت‌های ارزشی است. این مسئله ضمن متأثر شدن از شرایط اجتماعی در تغییرات اجتماعی دیگر نیز مؤثر است (گالاگر، ۲۰۰۱).

هر نظام اقتصادی و سیاسی باثبات دارای نظام فرهنگی همساز و پشتیبانی است که به آن مشروعیت می‌بخشد، به طوری که اعضای آن جامعه یک سلسله قواعد و هنجارها را می‌پذیرند و درونی می‌کنند. فرهنگ به نظام‌های سیاسی و اقتصادی شکل می‌دهد و در مقابل از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد. بی‌هیچ تردید، فرهنگ در خدمت مشروعیت‌بخشیدن به نظام اجتماعی است. فرهنگ برحسب هدف‌های مشترک جامعه را یکپارچه می‌کند، نیازهای فکری و زیباشناختی را برآورده می‌کند و رفتار نخبگان را تا حدودی محدود و مشروط می‌کند (اینگلهارت، ۱۳۸۶).

جوامع در حال تغییر و دگرگونی‌اند. یکی از ادعاهای محوری نظریه نوسازی این است که رشد اقتصادی و تغییرات فرهنگی و دگرگونی سیاسی، همه، در الگویی منسجم و همساز و تاحدی پیش‌بینی‌پذیر جای می‌گیرند. مردم از آن‌رو از یک شیوه زندگی به شیوه دیگر زندگی متمایل شده‌اند که در هر محیط اقتصادی و فنی معین، انواع خاصی از جوامع بر انواع دیگر برتری کارکردی دارند. به نظر بسیاری از صاحب‌نظران، جوامع و ارزش‌های آنان از مرحله

نوسازی وارد مرحلهٔ پسانوسازی شده‌اند. تحول ارزشی پسامدرن نخستین تحول عمدهٔ فرهنگی در تاریخ نیست. تغییر جهان‌بینی سنتی ناشی از اقتصاد ثابت و یکنواخت گذار از جامعهٔ کشاورزی به جامعهٔ صنعتی را تسهیل کرد و اکنون در جوامع صنعتی پیشرفته که بخش عمده-ای از جمعیت در رفاه اقتصادی بزرگ شده‌اند، اولویت‌های ارزشی آنان به تأکید روزافزون بر کیفیت زندگی و ابراز وجود تغییر یافته است. به نظر اینگلهارت، درون هر جامعهٔ معین ارزش-های پست‌مدرن بیشتر در بین افرادی که از امنیت جانی و اقتصادی برخوردارند گسترده خواهد بود. تحصیل کرده‌ها و ثروتمندترها احتمال بیشتری دارد که دارای ارزش‌های فرامادی باشند. به نظر می‌رسد که معلمان هم از نظر تحصیلی و هم از بعد طبقهٔ اجتماعی می‌توانند نمونه‌ای از اقشار امن در جامعه باشند. این مقاله سعی دارد اولویت‌های ارزشی معلمان را به‌عنوان یکی از اقشار مهم و تأثیرگذار جامعه بررسی کند. نظام ارزشی هیچ گروه شغلی معرف نظام ارزشی یک کشور نیست، اما ممکن است معلمان مدرسه برای مطالعهٔ ارزش‌ها مناسب‌تر از بقیهٔ گروه‌ها باشند؛ زیرا از آن‌ها انتظار می‌رود که نقش روشنی در جامعه‌پذیری ارزش‌ها ایفا کنند. آن‌ها انتقال‌دهندگان اصلی فرهنگ محسوب می‌شوند (شوارتز و ساگی، ۲۰۰۰). این مقاله درصدد پاسخگویی به این مسئله است که معلمان از چه اولویت‌های ارزشی برخوردارند؟ این مقاله درصدد است به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱- اولویت‌های ارزشی معلمان کدام‌اند؟ ۲- آیا تحول فرهنگی و تفاوت ارزشی آن‌چنان‌که در جوامع پیشرفتهٔ صنعتی رخ داده است، در بین گروه‌های سنی مختلف معلمان رخ داده است؟ ۳- عوامل اجتماعی و اقتصادی چه تأثیری بر اولویت‌های ارزشی معلمان دارند؟ مهم‌ترین هدف این مقاله، شناخت اولویت‌های ارزشی معلمان و تأثیر برخی عوامل اقتصادی و اجتماعی بر آن بوده است. بررسی این موضوع از جهات زیر اهمیت و ضرورت می‌یابد: ۱- به شناخت اولویت‌های ارزشی معلمان به‌عنوان تأثیرگذارترین افراد بر ارزش‌های نسل آینده کمک می‌کند. ۲- به کسب بینش و آگاهی کلی دربارهٔ نگرش افراد جامعه به پدیده‌ها و مطلوبیت‌ها یاری می‌رساند. ۳- از سوی دیگر، کمبود تحقیقات در زمینهٔ بررسی ارزش‌ها به‌ویژه قشرهای خاص و تأثیرگذار بر جامعه انجام این پژوهش را ضروری می‌سازد. ۴- همچنین انجام چنین تحقیقاتی داده‌های تجربی لازم برای سنجش دگرگونی ارزشی را فراهم می‌سازد.

ادبیات تحقیق

آزاد ارمکی و مسقطیان در تحقیقی با عنوان "تغییرات فرهنگی در استان مازندران" به آزمون تجربی نظریهٔ اینگلهارت پرداخته‌اند. این تحقیق که با حجم نمونهٔ ۳۸۴ نفر با شیوهٔ مصاحبهٔ

حضور صورت گرفته، درصدد پاسخگویی به این پرسش بوده که آیا در جامعه مورد مطالعه تغییراتی در ارزش‌های خانوادگی، جنسیتی، سیاسی، اقتصادی، دینی و اخلاقی صورت گرفته است؟ نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهند که تغییراتی در استان مازندران با توجه به پیش‌زمینه‌های فرهنگی در بین گروه‌های سنی مختلف مشاهده نمی‌شود و از بین متغیرها تنها متغیر تحصیلات به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های امنیت سازنده در دگرگونی ارزش‌ها تا حدودی تأثیرگذار است (آزاد ارمکی و مسقطیان، ۱۳۸۰).

خالقی‌فر در مطالعه خود با عنوان "بررسی ارزش‌های مادی و فرامادی جوانان تحصیل‌کرده ایرانی، عوامل مؤثر بر آن و رابطه آن با برخی نشانگان فرهنگی" جهت‌گیری ارزشی در میان جوانان ایرانی را در مقایسه با برخی از کشورها نشان داده است. داده‌های این پژوهش از طریق مصاحبه با ۳۳۲ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های تهران گردآوری شده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهند که میزان اعتماد بین شخصی، احساس رضایت اجتماعی، اعتماد به مسئولان و نهادهای سلسله‌مراتبی و مذهبی، میزان امنیت وجودی و میزان وابستگی مذهبی در میان پاسخگویان بسیار پایین بوده است. همچنین پاسخگویان ارزش‌های بقا و ارزش‌های سنتی را ترجیح می‌دادند و دارای ارزش‌های مادی‌گرایانه و قوم‌مرکز بودند. داده‌های مقایسه‌ای نشان می‌دهد که جوانان تحصیل‌کرده ایرانی بیشتر از مردم سه کشور مجارستان، آرژانتین و آفریقای جنوبی هم‌نوا و همسو بودند و با دیگر کشورهای صنعتی و پیشرفته نشانگانی متضاد و در جهت مخالف داشتند. این سه کشور جزء کشورهای توسعه‌نیافته با میزان رشد اقتصادی پایین بودند (خالقی‌فر، ۱۳۸۱).

آزاد ارمکی و خادمی در تحقیقی با عنوان "ترجیحات ارزشی دانش‌آموزان تهرانی" به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. از نظریه اینگلهارت به‌عنوان چهارچوب نظری تحقیق استفاده شده و فرضیه‌هایی براساس نظریه ارزش‌های مادی و فرامادی ساخته شده‌اند. اطلاعات براساس مصاحبه مستقیم در قالب پرسش‌نامه از ۶ منطقه آموزش و پرورش جمع‌آوری شده‌اند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که پدر و مادر دانش‌آموز بیشترین نقش را در میزان شکل‌دهی به ارزش‌های دانش‌آموز داشته‌اند. این نتایج به نوعی تأیید فرضیه اجتماعی شدن است که می‌گوید کودک بیشترین نگرش‌هایش را در دوران کودکی به دست می‌آورد. نتایج به دست آمده فرضیه کمیابی را تأیید نکرده‌اند (آزاد ارمکی و خادمی، ۱۳۸۲).

گسترده‌ترین پژوهشی که درباره نگرش‌ها، ارزش‌ها و اعتقادات مردم سرتاسر جهان صورت گرفته است، پیمایش‌های ارزش‌های جهانی^۱ است. این پژوهش‌ها طی پنج موج از سال ۱۹۸۱ انجام شده است. شواهد برگرفته از پیمایش‌های ارزش‌های جهانی هم تغییر فرهنگی گسترده و هم استمرار ارزش‌های سنتی خاص را نشان می‌دهند. توسعه اقتصادی نه تنها میراث فرهنگی جامعه را زایل نمی‌کند، بلکه در مسیری موازی با خطوطی که میراث فرهنگی ترسیم می‌کند حرکت می‌نماید. به نظر اینگلهارت، در این موضوع که نیروهای نوسازی یک فرهنگ یکدست جهانی پدید آورد تردید وجود دارد. همچنین نتایج حاصل از این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که برخلاف برخی اعتقادات رایج مبنی بر از بین رفتن تدریجی دین، اعتقادات دینی پابرجای می‌ماند و علایق معنوی در معنای گسترده‌اش در جوامع صنعتی پیشرفته گسترش می‌یابد (اینگلهارت و بیکر، ۲۰۰۰).

داده‌های حاصل از پیمایش‌های ارزش‌های جهانی منبع بسیاری از پژوهش‌ها است و بسیاری از محققان به نقد و بررسی نظریه اینگلهارت در باب تغییر ارزش‌ها از مادی‌گرایی به فرامادی‌گرایی پرداختند؛ از جمله هارولد کلارک و نیتیش دات به نقد جنبه‌های روش‌شناختی مطالعات تغییر ارزش‌ها و سنجش اولویت‌بندی ارزشی پرداخته‌اند. به نظر آنان، تحلیل‌های نمونه‌ای مبتنی بر مجموعه مشاهدات زمانی طی دوره ۸۶-۱۹۷۶ نشان داد که شاخص اروپایی برای سنجش تغییرات ارزش‌های مادی و فرامادی در برابر تغییرات کوتاه‌مدت بسیار حساس است (کلارک و دات، ۱۳۷۸).

چهارچوب نظری

دوران گذار از جامعه سنتی به مدرن از جهات گوناگونی مورد توجه جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی بوده است و بسیاری از نظریه‌پردازان به نوعی مبنای نظریه اجتماعی خود را به شرایط اجتماعی ویژه دوران گذار ارتباط داده‌اند. این مطالعه از منظر اینگلهارت شرایط فرهنگی دوران گذار ایران را بررسی می‌کند.

1. WVS (World Values Surveys)

نظریه دگرگونی فرهنگی اینگلهارت

از نظر اینگلهارت وجه تمایز مردم جوامع مختلف نگرش‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌های اصلی و پایدار آنان است. در چند دهه گذشته، تغییرات اقتصادی-تکنولوژیکی و اجتماعی-سیاسی، فرهنگ‌های جوامع پیشرفته صنعتی را از جنبه‌های بسیار مهم دگرگون ساخته است (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۱).

اینگلهارت پیش از سال ۱۹۷۰ اندازه‌گیری یکی از جنبه‌های تغییرات فرهنگی را آغاز کرد، با این فرض که نسل بعد از جنگ در اروپای غربی به دلیل اینکه جنگ جهانی اول و دوم و رکود بزرگ اقتصادی را تجربه کرده‌اند، اولویت بالایی به امنیت فیزیکی و اقتصادی می‌دهند، بخش بالایی از نسل جوان‌تر هم اولویت بالایی به ابراز وجود^۱ و کیفیت زندگی می‌دهند. این تحقیق با دو فرضیه اساسی هدایت می‌شد: ۱- فرضیه کمیابی: اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی-اقتصادی وی است؛ شخص بیشترین ارزش را برای چیزهایی قائل می‌شود که عرضه آن نسبتاً کم است. ۲- فرضیه اجتماعی شدن: ۳ رابطه بین محیط اجتماعی-اقتصادی و اولویت‌های ارزشی مبتنی بر انطباق سریع نیست. برای اینکه ارزش‌های انسان شرایطی را که در سال‌های پیش از بزرگسالی حاکم بوده منعکس کند، تأخیر زمانی قابل توجهی لازم است.

اینگلهارت می‌نویسد: فرضیه کمیابی دلالت بر این دارد که توسعه اقتصادی اخیر پیامدهای مهمی دارد. جوامع صنعتی پیشرفته در خلال دوره بعد از جنگ جهانی دوم سطوح درآمد واقعی بسیار بالاتری از هر زمان قبل از آن در طول تاریخ به دست آوردند. این امر همراه با ظهور دولت رفاه که موقعیت بی‌سابقه‌ای را از نظر تاریخی به ارمغان آورد تا بیشتر جمعیتشان تحت شرایط امنیت غذایی و اقتصادی زندگی کنند، به تغییری تدریجی منجر شد که طی آن ارزش‌هایی فرامادی نظیر نیاز به احترام، رابطه نزدیک با دیگران، رفاه ذهنی و زیبایی‌شناختی مهم‌تر شده‌اند (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۷۵).

اما ارتباط بین سطح اقتصادی و رواج ارزش‌های فرامادی گرا ساده نیست. این ارزش‌ها درک ذهنی فرد را از امنیت می‌دهد و نه فی‌نفسه سطح اقتصادی فرد را. در حالی که مردم ثروتمند میل به احساس امنیت بیشتری در مقایسه با مردم فقیر دارند، احساس امنیتشان همچنین تحت تأثیر زمینه فرهنگی و نهاد‌های رفاه اجتماعی است، که در آن رشد کرده‌اند. بنابراین، فرضیه کمیابی با فرضیه اجتماعی شدن تکمیل می‌شود که ضمن آن ساختار اساسی شخصیت

1. Self-expression
2. Scarcity hypothesis
3. Socialization hypothesis

تمایل دارد که در زمان رسیدن فرد به بزرگسالی شکل بگیرد و پس از آن نسبتاً کم تغییر می‌کند (اینگلهارت، ۱۹۹۹: ۲۲۲).

به‌طور کلی، رهیافت نظریه‌پردازی اینگلهارت، دو سطح سیستم (ساختار جامعه) و سطح خرد (افراد) را مدنظر قرار می‌دهد. بدین شکل که تغییرات محیطی و کلان در سطح سیستم جامعه، به دگرگونی‌هایی در سطح فردی انجامیده و این دگرگونی‌ها در سطح خرد پیامدهایی برای نظام اجتماعی دارد. وی تغییرات در سطح سیستم را توسعه اقتصادی و فناوری، ارضای نیازهای طبیعی به نسبت وسیع‌تری از جمعیت، افزایش سطح تحصیلات، تجارب متفاوت گروه‌های سنی مثل فقدان جنگ و گسترش ارتباطات جمعی، نفوذ رسانه‌های جمعی و افزایش تحرک جغرافیایی می‌داند. به نظر اینگلهارت (۱۹۹۷) درون هر جامعه معین ارزش‌های پست مدرن بیشتر در بین قشر امن‌تر گسترده خواهد بود.

چهارچوب نظری این پژوهش، بیشتر با الهام از سطح خرد دیدگاه اینگلهارت بوده و در مورد دو فرضیه نیز دیدگاه گروندونا و دیدگاه آموزش نقش در کنار دیدگاه اینگلهارت مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

با توجه به چهارچوب نظری اینگلهارت، نگاه تک‌عاملی به تغییرات فرهنگی آن هم در سطح دگرگونی ارزش‌ها نمی‌تواند دگرگونی‌های جامعه جدید را تبیین کند؛ بنابراین، در این پژوهش برای تبیین اولویت‌های ارزشی پاسخگویان، سطح خرد دیدگاه اینگلهارت و زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی پاسخگویان مورد توجه قرار گرفته است. با بهره‌گیری از الگوی نظری موجود در فرضیه‌های کمیابی و جامعه‌پذیری اینگلهارت، برخی ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی افراد مورد مطالعه به‌عنوان زمینه‌های احتمالی تأثیرگذار بر اولویت‌های ارزشی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بر اساس دو فرضیه یادشده در دیدگاه اینگلهارت، فرضیه‌هایی در این پژوهش مورد طرح و بررسی قرار گرفته‌اند. به‌عنوان نمونه، فرضیه‌های پیرامون رابطه متغیرهای میزان درآمد، احساس امنیت اجتماعی و میزان دارایی (به‌عنوان متغیرهای مستقل) و متغیر وابسته اولویت‌های ارزشی براساس فرضیه کمیابی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین با الهام از فرضیه جامعه‌پذیری و کمیابی اینگلهارت فرضیه‌های پیرامون رابطه بین امنیت سازنده (شامل متغیرهای سطح تحصیلات والدین و وضعیت اقتصادی خانواده در دوران نوجوانی فرد) و اولویت‌های ارزشی مورد بررسی قرار گرفته است.

با توجه به تفاوت‌های سنی و نسلی در شرایط جامعه‌پذیری افراد، و با بهره‌گیری از فرضیه جامعه‌پذیری اینگلهارت، رابطه بین گروه سنی معلمان و اولویت‌های ارزشی آن‌ها نیز در قالب فرضیه جداگانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است.

جنسیت و اولویت‌های ارزشی: زنان و مردان زمینه‌های مشترک و متمایزی از تجربه، شناخت ارزش‌های اجتماعی و همچنین بروز رفتارها و کنش‌های اجتماعی دارند. با توجه به ادبیات تفاوت‌های جنسیتی می‌توان گفت سه نوع نظریه درباره رابطه جنسیت با اولویت‌های ارزشی وجود دارد: نخست، نظریه‌هایی که وجود تفاوت‌های جنسیتی ثابت در اولویت‌های ارزشی را مسلم فرض کرده‌اند که به اصول‌گرایان معروف‌اند. دوم، نظریه‌های "آموزش نقش" که وجود تفاوت‌های جنسیتی در اولویت‌های ارزشی را ناشی از فرایند یادگیری و جامعه‌پذیری می‌دانند، و سوم، نظریه‌هایی که تفاوت جنسیتی آشکاری میان دو جنس نمی‌بینند که ذات-گرایی و کنش متقابل‌گرایی نامیده می‌شوند (داریاپور، ۱۳۸۱).

با توجه با نظریه‌های آموزش نقش و همچنین فرضیه جامعه‌پذیری اینگلهارت، تفاوت‌های جنسیتی در اولویت‌های ارزشی با طرح فرضیه‌ای در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته است.

اعتماد اجتماعی و اولویت‌های ارزشی: گروندونا در بررسی ویژگی‌های فرهنگی و ارزشی جوامع مترقی و توسعه‌نیافته، دو دسته ارزش‌ها را متناسب با سطح توسعه جوامع معرفی کرده است: ارزش‌های مناسب توسعه اقتصادی و ارزش‌های مانع توسعه اقتصادی. از نظر گروندونا هیچ جامعه‌ای نیست که به صورت کامل تنها درون یکی از این دو نظام ارزشی قرار گرفته باشد. در زمینه اعتماد، گروندونا داشتن اعتماد را یکی از عناصر نظام ارزشی مناسب توسعه و بی‌اعتمادی را یکی از عناصر نظام ارزشی بازدارنده برای توسعه معرفی کرده است (گروندونا، ۲۰۰۰: ۴۷-۵۳). با توجه به اینکه عملاً در دیدگاه اینگلهارت جامعه با اولویت ارزش‌های فرامادی متناظر با جوامع توسعه‌یافته است، با ترکیب گزاره‌های نظری گروندونا و اینگلهارت، فرضیه‌ای در مورد رابطه اعتماد اجتماعی و اولویت‌های ارزشی طرح شده و مورد بررسی قرار گرفته است.

فرضیه‌ها

با توجه به چهارچوب نظری و گزاره‌های اقتباس‌شده از دیدگاه‌های مبنایی مورد استفاده، فرضیه‌های زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند:

- بین میزان درآمد و اولویت‌های ارزشی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان دارایی و اولویت‌های ارزشی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان امنیت‌سازنده و اولویت‌های ارزشی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین احساس امنیت اجتماعی و اولویت‌های ارزشی رابطه معناداری وجود دارد.

- بین میزان اعتماد اجتماعی و اولویت‌های ارزشی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین جنسیت و اولویت‌های ارزشی رابطه معناداری وجود دارد.
- گروه‌های سنی مختلف دارای اولویت‌های ارزشی متفاوت هستند.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق مطالعه حاضر از نوع پیمایشی است و داده‌ها از طریق پرسش‌نامه جمع‌آوری شده است. جامعه آماری شامل کلیه معلمان شاغل در اداره آموزش و پرورش شهرستان بروجن است. ارزش‌های هیچ گروه شغلی معرف ارزش‌های یک جامعه نیست، اما معلمان مدرسه ممکن است از گروه‌های دیگر برای مطالعه ارزش‌ها مناسب‌تر باشند؛ زیرا از آن‌ها انتظار می‌رود که نقش روشنی در جامعه‌پذیری ارزش‌ها ایفا کنند. آن‌ها انتقال‌دهندگان اصلی فرهنگ محسوب می‌شوند (شوارتز و ساگی، ۲۰۰۰). تعداد نمونه آماری براساس جدول نمونه‌گیری لین (۱۹۷۶: ۴۴۶) انتخاب شده است. در این جدول با توجه به حجم جامعه آماری و سطح معناداری تعداد نمونه آماری مشخص شده است. در این تحقیق با سطح اطمینان ۹۵ درصد، احتمال خطای ۵ درصد و حجم جامعه آماری که ۲۱۷۴ نفر بودند و با این فرض که ۵۰ درصد از جمعیت پاسخ‌یكسانی ارائه نمایند، حجم نمونه ۳۲۵ مورد محاسبه گردید که برای افزایش دقت، حجم نمونه به ۳۴۳ نفر ارتقا یافت. با توجه به اینکه مطالعه در سه منطقه آموزش و پرورش شهرستان بروجن انجام گرفته است برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری تصادفی از نوع چندمرحله‌ای استفاده شد؛ به این معنا که ابتدا با استفاده از شیوه نمونه‌گیری سیستماتیک نسبت معلمان هر منطقه به کل معلمان شهرستان مشخص و حجم نمونه برای هر منطقه محاسبه شد؛ سپس با استفاده از شیوه نمونه‌گیری تصادفی از نوع خوشه‌ای، در هر منطقه آموزشی مدارس مختلف از مقاطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان انتخاب شدند و معلمان مدارس انتخاب‌شده به شکل تصادفی خوشه‌ای مورد مصاحبه قرار گرفتند. انتخاب خوشه‌ها با در نظر گرفتن تعداد معلمان در مدارس برای پوشش دادن سهم هر منطقه از معلمان مقاطع مختلف انجام شده است. جدول زیر حجم جامعه آماری و سهم هر منطقه از حجم جامعه و نمونه آماری را نشان می‌دهد، با این توضیح که حجم نمونه واقعی گردآوری شده ۳۴۳ مورد بوده است.

جدول ۱. توزیع حجم جامعه و نمونه آماری مناطق مختلف مورد مطالعه در نمونه‌گیری

جامعه آماری	حجم جامعه آماری (نفر)	درصد	حجم نمونه (نفر)
منطقه بروجن	۱۴۰۰	٪ ۶۴	۲۱۱
منطقه بلداجی	۴۴۸	٪ ۲۱	۶۶
منطقه گندمان	۳۲۶	٪ ۱۵	۴۸
کل	۲۱۷۴	٪ ۱۰۰	۳۲۵

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

تعریف نظری

اولویت‌های ارزشی مادی/ فرامادی: اولویت‌های ارزشی مادی به معنی اولویت دادن به امنیت جسمی و اقتصادی است. اولویت‌های ارزشی فرامادی به معنای اولویت دادن به لزوم تعلق و دلبستگی به دیگران، حق ابراز نظر و کیفیت زندگی و به طور کلی مسائلی فراتر از مسائل مادی است. امنیت سازنده: سطح امنیت در طول سال‌های شکل‌گیری شخصیت را امنیت سازنده گویند. در واقع، امنیت سازنده عبارت کوتاه‌شده امنیت جانی و اقتصادی در طول سال‌های شکل‌گیری شخصیت فرد است (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۱۸۶).

احساس امنیت اجتماعی: به فقدان هراس از تهدیدشدن یا به مخاطره افتادن ویژگی‌های اساسی و ارزش‌های انسانی و نبود ترس از تهدید حقوق و آزادی‌های مشروع گفته می‌شود (نبوی و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۷).

اعتماد اجتماعی: منظور از اعتماد اجتماعی در این پژوهش، اعتماد بین‌فردی است که به صورت افقی جهت یافته است و منعکس‌کننده اعتماد میان شهروندان برابر است. اعتماد افقی لزوماً شدید نیست، اما شعاع اجتماعی نسبتاً بزرگی دارد، اعتماد افقی منعکس‌کننده "شدت پیوندهای سست" است و بیشتر برون‌گروهی است تا درون‌گروهی (گرانوویتر، ۱۹۷۳: ۱۳۶۵). درآمد: منظور از درآمد، مقدار وجه دریافتی در ازای انجام فعالیتی است. دارایی: به داشته‌های اقتصادی فرد، اعم از اموال منقول و غیرمنقول گفته می‌شود.

تعریف عملیاتی

برای سنجیدن اولویت‌های ارزشی از دوازده گویه ارزشی اینگلهارت استفاده شده است. این دوازده گویه به صورت سه دسته چهارتایی به پاسخگویان ارائه و از آن‌ها خواسته شد تا اولویت اول و اولویت دوم خود را در هر دسته مشخص کنند. به گویه‌هایی که نشان‌دهنده اولویت‌های

فرامادی بودند کد ۱ و به گویه‌های اولویت‌های مادی کد ۲ داده شد. سپس برای محاسبه اولویت‌های ارزشی، گویه‌های کدگذاری شده با هم جمع شدند. افراد برای توصیف درصد فرامادی‌گرایی، براساس نمره‌ای که کسب کرده بودند، به پنج گروه تقسیم شدند.

در تحقیقات اینگلهارت، امنیت سازنده به معنی امنیت جانی و اقتصادی در طول سال‌های شکل‌گیری شخصیت فرد است که شامل متغیرهای سطح تحصیلات والدین و وضعیت اقتصادی خانواده در دوران نوجوانی فرد می‌شود.

احساس امنیت اجتماعی با دو گویه مورد استفاده در پیمایش ملی نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۰) سنجیده شد که شامل "احساس امنیت در انجام فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری" و "دید فرد در مورد میزان احترام گذاشتن به آبرو و حیثیت افراد جامعه" است.

برای سنجش میزان اعتماد اجتماعی از گویه‌های موردنظر شوسلر (۱۳۸۲) شامل: سه گویه "این روزها نمی‌توان به کسی اعتماد کرد"، "این روزها صداقت و راستگویی کم شده است"، و "این روزها بیشتر مردم ریاکارند" استفاده شد. همه گویه‌ها به صورت طیف لیکرت ارائه شدند.

درآمد: مقدار وجه دریافتی در ازای انجام فعالیت اقتصادی است که رقم درآمد ماهیانه به تومان و در سطح متغیر نسبی سنجیده شده است.

دارایی: با شاخص‌هایی شامل داشتن سپرده بانکی نسبتاً بالا، سهام شرکت‌ها و کارخانجات، زمین، مسکن و اتومبیل شخصی سنجیده شده که ابتدا در سطح اسمی داشتن و نداشتن سنجیده شد و سپس متغیر اصلی با جمع کردن تمام موارد به صورت متغیر نسبی به دست آمد.

اعتبار و پایایی تحقیق

برای بیشتر پرسش‌های پرسش‌نامه، به‌خصوص متغیرهای اصلی تحقیق از قبیل ارزش‌های مادی و فرامادی، ارزش‌های بقا/ابراز وجود و ارزش‌های سنتی/عقلانی - حقوقی، از شاخص‌های اینگلهارت استفاده شده است و در برخی سنجه‌ها نیز که با فرهنگ جامعه ایران سازگاری نداشتند، سنجه‌های بومی به کار رفت. از آنجا که این پرسش‌ها از سال ۱۹۷۰ میلادی پیوسته مورد بازبینی قرار گرفته و استفاده شده‌اند، به نظر می‌رسد از اعتبار علمی کافی برخوردار باشند. در ایران نیز تحقیقات بسیاری با استفاده از این پرسش‌نامه انجام گرفته است (آزاد ارمکی و مسقطیان، ۱۳۸۰ و خالقی‌فر، ۱۳۸۱). با وجود این، از اعتبار صوری برای ارزیابی اعتبار ابزار سنجش استفاده شد.

جدول ۲. مقدار آلفای کرونباخ برخی از متغیرهای مستقل تحقیق

متغیر	میزان آلفای کرونباخ
اعتماد اجتماعی	۰/۸۶
احساس امنیت اجتماعی	۰/۸۲

نتایج مناسب و همسانی که از پیمایش‌های مکرر اولویت‌های ارزشی به دست می‌آید نشان از میزان پایایی قابل قبول دوازده گویۀ ارزشی به کار برده شده برای سنجش اولویت‌های ارزشی مادی و فرامادی دارد. برای اطمینان از پایایی این متغیر در جامعه آماری مورد مطالعه از روش آزمون- بازآزمون استفاده شد. به این صورت که به ده درصد از پاسخ‌گویان -۳۲ نفر- بعد از گذشت پنج ماه، دوباره همان سؤالات داده شد و ضریب همبستگی بین جواب‌های دو نوبت محاسبه گردید. ضریب همبستگی ۰/۷۴ در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ نشانه پایایی بالای سؤالات متغیر وابسته تحقیق (اولویت‌های ارزشی) است.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

ویژگی‌های جمعیت مورد مطالعه: در این پژوهش ۵۲/۸ درصد از پاسخ‌گویان زن و ۴۷/۲ درصد مرد بودند. ۳۶/۷ درصد دارای مدرک دیپلم و فوق دیپلم، ۵۷/۴ درصد دارای مدرک کارشناسی، ۵/۵ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۰/۳ درصد دارای مدرک دکتری بودند. از نظر وضعیت استخدام، ۹۲/۷ درصد در استخدام رسمی، ۶/۱ درصد حق‌التدریس و ۱/۲ درصد در استخدام پیمانی آموزش و پرورش بودند. ۳۲/۱ درصد از پاسخ‌گویان معلم مقطع ابتدایی، ۲۳/۹ درصد معلم مقطع راهنمایی و ۴۴ درصد دبیر مقطع متوسطه بودند.

توصیف فراوانی و درصد افراد در هریک از ۱۲ گویۀ ارزشی به شرح زیر است که در هر دسته به صورت قرینه‌ای دو ارزش مادی و دو ارزش فرامادی قرار دارند. به گونه‌ای که در سه دسته، در مجموع، ۶ گویۀ ارزش مادی و ۶ گویۀ ارزش فرامادی قرار دارند:

جدول ۳. توزیع فراوانی افراد در چهار ارزش (دسته اول)

اولویت دوم		اولویت اول		ارزش
درصد معتبر	فراوانی	درصد معتبر	فراوانی	
۳۹/۱	۱۲۲	۲۸/۶	۹۸	رشد بالای اقتصادی
۲۷/۹	۸۷	۱۶/۶	۵۷	نیروی دفاعی قوی
۲۰/۸	۶۵	۴۵/۸	۱۵۷	بیان نظرات مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور اجتماعی
۱۲/۲	۳۸	۹	۳۱	زیباسازی شهرها

جدول ۳ نشان می‌دهد که ۲۸/۶ درصد از پاسخ‌گویان رشد بالای اقتصادی را از میان این چهار ارزش، به‌عنوان اولویت اول و ۳۹/۱ درصد به‌عنوان اولویت دوم انتخاب کرده‌اند. ۱۶/۶ درصد از افراد اطمینان از وجود نیروی دفاعی قوی در کشور را به‌عنوان اولویت اول و ۲۷/۹ درصد از پاسخ‌گویان آن را به‌عنوان اولویت دوم انتخاب کرده‌اند. ۴۵/۸ درصد از پاسخ‌گویان حق بیشتر مردم در بیان نظراتشان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کار و امور اجتماعی را به‌عنوان اولویت اول و ۲۰/۸ درصد از پاسخ‌گویان آن را به‌عنوان اولویت دوم انتخاب کرده‌اند. از میان این چهار ارزش، زیباسازی شهرها کمترین اهمیت را در میان پاسخ‌گویان داشته است؛ به‌گونه‌ای که تنها ۹ درصد از پاسخ‌گویان آن را به‌عنوان اولویت اول و ۱۲/۲ درصد آن را به‌عنوان اولویت دوم انتخاب کرده‌اند.

جدول ۴. توزیع فراوانی افراد در چهار ارزش (دسته دوم)

اولویت دوم		اولویت اول		ارزش
درصد معتبر	فراوانی	درصد معتبر	فراوانی	
۲۴/۸	۸۲	۳۰/۳	۱۰۴	حفظ نظم کشور
۲۵/۴	۸۴	۲۰/۱	۶۹	بیان نظرات مردم در تصمیمات مهم دولتی
۲۸/۴	۹۴	۳۲/۴	۱۱۱	مبارزه با افزایش قیمت‌ها
۳۱/۵	۷۱	۱۷/۲	۵۹	دفاع از آزادی بیان

طبق جدول ۴ از بین چهار اولویت ارزشی دسته دوم ۳۰/۳ درصد از پاسخ‌گویان حفظ نظم کشور را اولویت اول خود و ۲۴/۸ درصد آن را اولویت دوم خود انتخاب کرده‌اند. ۲۰/۱ درصد از پاسخ‌گویان حق بیشتر مردم در بیان نظراتشان در خصوص تصمیمات مهم دولتی را به‌عنوان اولویت اول و ۲۵/۴ درصد از پاسخ‌گویان این گزینه را به‌عنوان اولویت دوم خود انتخاب کرده‌اند. از بین چهار ارزش دسته دوم ۳۲/۴ درصد از پاسخ‌گویان مبارزه با افزایش قیمت‌ها را به‌عنوان

اولویت اول و ۲۸/۴ درصد به‌عنوان اولویت دوم انتخاب کرده‌اند. ۱۷/۲ درصد از پاسخ‌گویان نیز دفاع از آزادی بیان را به‌عنوان اولویت اول و ۲۱/۵ درصد از پاسخ‌گویان آن را به‌عنوان اولویت دوم خود انتخاب کرده‌اند.

جدول ۵. توزیع فراوانی افراد در چهار ارزش (دسته سوم)

اولویت دوم		اولویت اول		ارزش
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳۰/۹	۱۰۴	۲۰/۴	۷۰	حفظ ثبات اقتصادی
۲۴/۳	۸۲	۳۱/۸	۱۰۹	حرکت به سوی جامعه‌ای انسانی‌تر
۲۰/۸	۷۰	۱۸/۴	۶۳	مبارزه با جرم و جنایت
۲۳/۷	۸۰	۲۹/۴	۱۰۱	حرکت به سوی جامعه‌ای که ارزش اندیشه بیش از پول است.

طبق جدول ۵، ۲۰/۴ درصد از پاسخ‌گویان حفظ ثبات اقتصادی را به‌عنوان اولویت اول و ۳۰/۹ درصد از پاسخ‌گویان، این گزینه را به‌عنوان اولویت دوم خود انتخاب کرده‌اند. ۳۱/۸ درصد از پاسخ‌گویان حرکت به سوی جامعه‌ای انسانی‌تر و دوستانه‌تر را به‌عنوان اولویت اول خود و ۲۴/۳ درصد آن را به‌عنوان اولویت دوم خود انتخاب کرده‌اند. ۱۸/۴ درصد از پاسخ‌گویان مبارزه با جرم و جنایت را به‌عنوان اولویت اول خود و ۲۰/۸ درصد از پاسخ‌گویان آن را به‌عنوان اولویت دوم خود انتخاب کرده‌اند. ۲۹/۴ درصد از پاسخ‌گویان حرکت به سوی جامعه‌ای که ارزش اندیشه بیش از پول است اولویت اول دانسته‌اند و ۲۳/۷ درصد از پاسخ‌گویان نیز آن را به‌عنوان اولویت دوم خود انتخاب کرده‌اند.

۸/۴ درصد از پاسخ‌گویان دارای اولویت‌های ارزشی کاملاً فرامادی‌گرایانه، ۲۱/۸ درصد از آنان دارای اولویت‌های ارزشی التقاطی فرامادی‌گرایانه، ۳۰/۵ درصد از پاسخ‌گویان دارای اولویت‌های ارزشی کاملاً التقاطی،^۱ ۲۲/۷ درصد از آنان دارای اولویت‌های ارزشی التقاطی مادی‌گرایانه و ۱۶/۶ درصد از آنان دارای اولویت‌های ارزشی کاملاً مادی‌گرایانه بوده‌اند. چنان‌که مشاهده می‌شود، تعداد معلمان دارای ارزش‌های کاملاً مادی‌گرایانه تقریباً دوبرابر افراد دارای ارزش‌های کاملاً فرامادی‌گرایانه است. براساس محاسبه اینگلهارت، شاخص درصد تفاوت ۸/۲- /۱۶/۶- /۸/۴ است؛ به این معنا که ۸/۲- معلمان مورد مطالعه دارای اولویت‌های ارزشی مادی‌گرایانه بوده‌اند.

نتایج نشان می‌دهد که ۱۸/۱ درصد از پاسخ‌گویان از سطح پایینی از احساس امنیت اجتماعی، ۶۹/۱ درصد از آنان از سطح متوسطی از احساس امنیت اجتماعی و فقط ۱۲/۸ درصد از پاسخ‌گویان از سطح بالایی از احساس امنیت اجتماعی برخوردار بوده‌اند.

در این تحقیق ۲۰/۹ درصد از پاسخ‌گویان دارای سطح پایینی از امنیت سازنده، ۶۳/۴ درصد از آنان دارای سطح متوسط و ۱۵/۶ درصد دارای سطح بالایی از امنیت سازنده بوده‌اند.

درآمد از شاخص‌های اقتصادی بسیار مهم است. در الگوی توسعه انسانی سازمان ملل، درآمد سرانه یکی از شاخص‌های توسعه انسانی قلمداد می‌شود. درآمد و وضعیت اقتصادی از عناصر کلیدی نظریه اینگلهارت هستند که انتظار می‌رود با افزایش میزان درآمد و بهبود شرایط اقتصادی، اولویت‌های ارزشی فرد به سمت فرامادی‌گرایی سوق یابد. در این پژوهش، درآمد سرپرست خانوار ۱۹/۵ درصد از پاسخ‌گویان در سطح پایین، ۵۸/۸ درصد در سطح متوسط و ۲۱/۸ درصد در سطح بالایی بوده است.

میزان دارایی از شاخص‌های پایگاه اجتماعی افراد است و نقش بسیار مهمی در امنیت اقتصادی ایفا می‌کند. در این مطالعه، دارایی شامل داشتن یا نداشتن سپرده بانکی نسبتاً بالا، سهام شرکت‌ها و کارخانجات، زمین ملکی، مسکن ملکی و اتومبیل شخصی است که دارایی ۳۳/۱ درصد از پاسخ‌گویان به میزان کم، دارایی ۵۲/۶ در سطح متوسط و دارایی ۱۴/۳ درصد زیاد ارزیابی شد.

۲۳/۶ درصد از پاسخ‌گویان اعتماد اجتماعی سطح پایینی داشته‌اند. ۶۱/۴ درصد دارای سطح متوسطی از اعتماد اجتماعی و ۱۵ درصد دارای سطح بالایی از اعتماد اجتماعی بوده‌اند. ۵۲/۳ درصد از پاسخ‌گویان این پژوهش زن بودند که ۴/۳ درصد از آنان دارای اولویت‌های ارزشی فرامادی، ۲۱/۱ درصد التقاطی فرامادی، ۲۸ درصد التقاطی، ۲۴/۸ درصد التقاطی مادی و ۲۱/۷ درصد مادی بودند. ۴۷/۷ درصد از پاسخ‌گویان مرد بودند که ۲۱/۹ درصد از آنان دارای اولویت‌های ارزشی فرامادی، ۲۲/۴ درصد التقاطی فرامادی، ۳۳/۳ درصد التقاطی، ۲۰/۴ درصد التقاطی مادی و ۱۰/۹ درصد مادی بودند. به بیان دیگر، مردان از اولویت‌های ارزشی فرامادی بیشتری نسبت به زنان برخوردار بوده‌اند.

نتایج استنباطی

طبق نظر اینگلهارت، رشد و توسعه اقتصادی، که به دنبال خود امنیت و رفاه جانی و مالی را به دنبال دارد، بیشترین تأثیر را بر دگرگونی فرهنگی و تغییر اولویت‌های ارزشی دارد. در این پژوهش، برای بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی بر اولویت‌های ارزشی از درآمد سرپرست خانوار و

میزان دارایی و همچنین شرایط اقتصادی خانواده فرد در دوران نوجوانی اش در کنار متغیرهای سطح تحصیلات پدر و سطح تحصیلات مادر تحت عنوان امنیت سازنده بهره گرفته شده است. بین دو متغیر درآمد سرپرست خانوار و اولویت‌های ارزشی، با توجه به ضریب همبستگی پیرسون ($r = 0/107$ آر و $r = 0/31$ معنی‌داری) رابطه معناداری وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش میزان درآمد، اولویت‌های ارزشی فرد به سمت مادی‌گرایی سوق می‌یابد.

بین دو متغیر میزان دارایی و اولویت‌های ارزشی، با توجه به ضریب همبستگی پیرسون ($r = 0/97$ آر و سطح معنی‌داری $0/089$) رابطه معناداری وجود ندارد.

بین دو متغیر امنیت سازنده و ارزش‌های مادی و فرامادی، با توجه به ضریب همبستگی ($r = 0/29$ آر و سطح معنی‌داری $0/609$)، رابطه معناداری وجود ندارد. این نتیجه با یافته‌های مطالعات اینگلهارت مغایر است و نشان می‌دهد که شرایط اقتصادی خانواده در دوران نوجوانی و همچنین سطح تحصیلات والدین (عناصر متغیر امنیت سازنده) رابطه چندانی با اولویت‌های ارزشی پاسخ‌گویان این تحقیق نداشته است.

بین احساس امنیت اجتماعی و اولویت‌های ارزشی، با توجه به ضریب همبستگی ($r = 0/196$ آر) رابطه معناداری وجود دارد که نشان‌دهنده وجود همبستگی مثبت و معنادار بین این دو متغیر است. این نتیجه با $0/99$ اطمینان به جامعه آماری قابل تعمیم است. مقدار اف در آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان می‌دهد کسانی که احساس امنیت اجتماعی پایینی دارند مادی‌گراتر از کسانی هستند که احساس امنیت اجتماعی متوسط و بالایی دارند؛ همچنین افرادی که احساس امنیت متوسطی دارند نسبت به کسانی که احساس امنیت بالایی دارند مادی‌گراترند.

جدول ۶. آزمون تفاوت میانگین اولویت‌های ارزشی با توجه به میزان احساس امنیت اجتماعی

سطح معناداری	مقدار اف	انحراف معیار	میانگین نمره اولویت ارزشی	فراوانی	احساس امنیت اجتماعی
0/021	3/891	1/08392	8/7391	46	پایین
		1/32201	9/2200	200	متوسط
		1/10445	9/4000	60	بالا
		1/26199	9/1830	306	کل

ضریب همبستگی پیرسون بین این دو متغیر $0/065$ و سطح معنی‌داری $0/256$ می‌باشد. به این معنا که رابطه معناداری بین میزان اعتماد اجتماعی و اولویت‌های ارزشی پاسخ‌گویان وجود ندارد.

در این پژوهش بین دو متغیر جنسیت و اولویت‌های ارزشی ضریب همبستگی اتا به مقدار $0/189$ وجود دارد که نشان از وجود رابطه معنادار بین این دو متغیر دارد. با توجه به مقدار تی $(3/371)$ و سطح معنی‌داری $(0/001)$ تفاوت میانگین نمره اولویت ارزشی در بین زنان و مردان معنادار است و زنان مادی‌گراتر از مردان بوده‌اند.

جدول ۷. آزمون تفاوت میانگین جنسیت و اولویت‌های ارزشی

جنسیت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار تی	سطح معنی‌داری
زن	۱۶۱	۹/۴۱۶۱	۱/۲۲۲۴۹	۳/۳۷۱	۰/۰۰۱
مرد	۱۴۷	۸/۹۳۸۸	۱/۲۶۱۷۹		

ضریب همبستگی اسپیرمن به مقدار $0/013$ - و سطح معناداری $0/819$ نشان می‌دهد که رابطه معناداری میان اولویت‌های ارزشی و گروه سنی وجود ندارد و این فرضیه تأیید نمی‌شود. آزمون اف نیز به مقدار $1/273$ و سطح معناداری $0/282$ نشان می‌دهد که گروه‌های سنی متفاوت، تفاوت معناداری در زمینه اولویت‌های ارزشی با یکدیگر ندارند. به بیان دیگر، تفاوت معناداری در اولویت‌های ارزشی گروه‌های سنی مختلف معلمان مشاهده نشد. در تحقیق آزارامکی و مسقطیان (۱۳۸۰) نیز همین نتایج به دست آمده است، به این صورت که بین گروه‌های سنی و سنخ‌های ارزشی تفاوت معناداری مشاهده نشده است.

جدول ۸. آزمون تفاوت میانگین اولویت‌های ارزشی گروه‌های سنی مختلف

گروه سنی	فراوانی	میانگین نمره اولویت ارزشی	انحراف معیار	مقدار اف	سطح معناداری
۲۳-۳۵	۱۰۹	۹/۱۴۶۸	۱/۳۱۱۱۰	۱/۲۷۳	۰/۲۸۲
۳۶-۴۵	۱۷۹	۹/۲۵۷۰	۱/۲۳۲۰۱		
۴۶-۵۵	۲۰	۸/۸۰۰۰	۱/۲۳۹۶۹		
کل	۳۰۸	۹/۱۸۸۳	۱/۲۶۲۱۸		

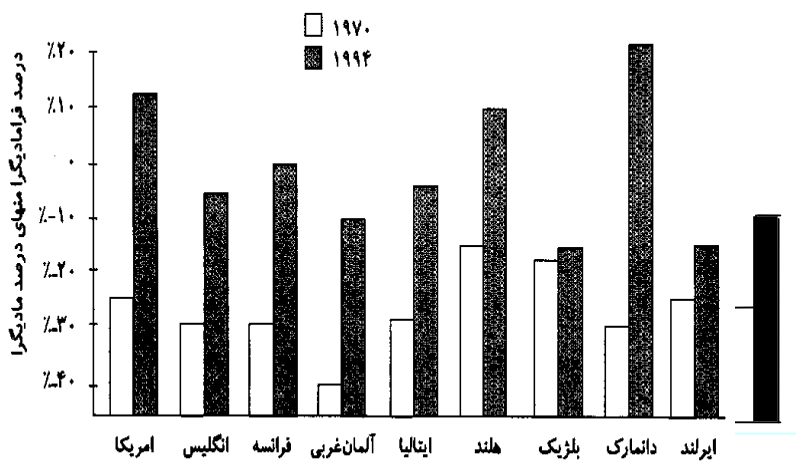
نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که از بین تمام متغیرهایی که وارد معادله شده‌اند، درنهایت، سه متغیر جنسیت، احساس امنیت اجتماعی و درآمد معنی‌دار بوده‌اند و توانسته‌اند خود را در معادله حفظ کنند. طبق یافته‌های به دست آمده، بتای احساس امنیت اجتماعی برابر با $0/167$ ، بتای جنسیت برابر با $0/197$ و بتای درآمد برابر با $0/114$ برآورد شده است. در این

مطالعه ضریب تعیین برابر با ۰/۰۸۲ می‌باشد. به بیان دیگر، متغیرهای وارد شده به معادله توانسته‌اند ۸/۲ درصد از واریانس تغییرات مربوط به متغیر اولویت‌های ارزشی را تبیین کنند.

جدول ۹. ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون درباره عوامل مؤثر بر اولویت‌های ارزشی

متغیرهای مستقل	بی	بتا	انحراف معیار	تی	معناداری
مقدار ثابت	۸/۳۳۹	-	۰/۳۰۱	۲۷/۷۳۸	۰/۰۰۰
احساس امنیت اجتماعی	۰/۱۰۷	۰/۱۶۷	۰/۰۳۶	۲/۹۷۷	۰/۰۰۳
جنسیت	-۰/۴۹۹	-۰/۱۹۷	۰/۱۴۳	-۳/۵۰۱	۰/۰۰۱
درآمد	۱/۰۱۷	۰/۱۱۴	۰/۰۰۰	۲/۰۱۱	۰/۰۴۵
آر = ۰/۲۸۶		مجدور آر = ۰/۰۸۲			

مقایسه فراوانی مادی‌گرایان و فرامادی‌گرایان تحقیق با داده‌های جهانی



منبع: پیمایش‌های اجتماعات اروپایی، فوریه ۱۹۷۰ و پاییز ۱۹۹۴ و -برخلاف شرح بالا- پیمایش‌های ملی ایالات متحده از ۱۹۷۲ و ۱۹۹۲

شکل ۱. تغییر به سوی ارزش‌های فرامادی‌گرا در بین مردم نه کشور غربی و کشور ایران

شکل ۱ افزایش فرامادی‌گرایان را در طی بیش از دو دهه در نه کشور غربی نشان می‌دهد. آمار مربوط به ایران از تحقیق حاضر (۱۳۸۹) و تحقیق خالقی‌فر (۱۳۸۱) اقتباس شده است. در تحقیق خالقی‌فر درصد مادی‌گرایان ۳۵/۷٪- و در تحقیق حاضر ۸/۲٪- می‌باشد. افزایش

چشمگیر فرامادی‌گرایان ممکن است ناشی از دو دلیل باشد: رشد وسائل ارتباط جمعی و امکان استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات جدید از قبیل اینترنت و ماهواره که باعث شده افراد در معرض اطلاعات به‌روز و ارزش‌های جدید قرار گیرند. چنان‌که استفاده از اینترنت و ماهواره با اولویت‌های ارزشی دارای ضریب همبستگی پیرسون به مقدار $0/140$ - می‌باشد که در سطح معناداری بیش از ۹۵ درصد قابل تعمیم به جامعه آماری است؛ به این معنا که افراد فرامادی‌گرا بیشتر از فناوری‌های ارتباطی فراملی استفاده می‌کنند و بنابراین در معرض ارزش‌های جدید قرار می‌گیرند. دلیل دوم احتمالاً مربوط به تفاوت در جامعه آماری مطالعه کنونی و مطالعه خالقی فر است. جامعه آماری تحقیق خالقی فر در سال ۱۳۸۱ دانشجویان بودند. طبیعی است که دانشجویان به دلیل اینکه فاقد شغل و درآمدند، نسبت به معلمان تحقیق حاضر که امنیت شغلی ($92/7$ درصد استخدام رسمی) و درآمد متوسط دارند و $94/8$ درصد متأهل هستند، دارای اولویت‌های ارزشی مادی‌گرایانه‌تری باشند. با در نظر گرفتن این موارد، باز می‌توان نتیجه گرفت که طبق گفته اینگلهارت (۱۳۷۸) افزایش یک درصد ارزش‌های فرامادی در سال، در ایران - حداقل در بین تحصیل کرده‌ها - قابل مشاهده است.

بحث و نتیجه‌گیری

اگر چه شرایط سنی شاغلان در آموزش و پرورش به گونه‌ای است که کمتر بحث تفاوت نسلی به لحاظ سنی در آن نمود می‌یابد، تفاوت سنی بین شاغلان نزدیک به سن بازنستگی و شاغلان جوان‌تر، که در این پژوهش ۳۲ سال است، می‌تواند زمینه‌ای برای شناخت تفاوت سنی در بررسی تحول ارزشی و فرهنگی باشد. در بررسی فرضیه‌ها مشخص شد که تفاوتی بین اولویت‌های ارزشی گروه‌های مختلف سنی معلمان وجود ندارد. حتی بین اولویت‌های ارزشی گروه‌های سنی اول و سوم که تفاوت سنی آن‌ها به ۳۲ سال (در حد یک نسل) می‌رسد، تفاوت معناداری وجود نداشته است. این یافته با توجه به نظریه کمیابی و جامعه‌پذیری قابل تبیین است، زیرا شرایط اقتصادی کشور برای گروه‌های سنی مختلف، چنان‌که برای نسل‌های اروپایی مورد مطالعه در پیمایش ارزش‌های جهانی متفاوت بود، تغییر بسیار اساسی نداشته است. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که تفاوت در اولویت‌های ارزشی گروه‌های سنی، که در جوامع پیشرفته صنعتی رخ داده و نشانه تحول فرهنگی در این کشورها است، در کشور ما به وقوع نپیوسته است. در این پژوهش تفاوت میانگین نمره اولویت ارزشی نشان داد که زنان مادی‌گراتر از مردان بوده‌اند. در بسیاری از پژوهش‌های پیشین (داریاپور، ۱۳۸۱ و رایکمن و هوستون، ۲۰۰۳) نیز ارزش‌های زنان و مردان در برخی موارد با یکدیگر تفاوت داشته‌اند. مادی‌گراتر بودن زنان با

فرضیه کمیابی اینگلهارت قابل توجیه است؛ به این صورت که زنان به دلیل نداشتن درآمد و عدم امنیت اقتصادی به اولویت‌های ارزشی مادی‌گرایانه اهمیت بیشتری می‌دهند. هرچند زنان جامعه آماری ما معلمان بودند که دارای درآمد هستند، به دلیل بافت سنتی جامعه، که مردان به‌عنوان مدیر خانه، مسئول و تصمیم‌گیرنده در مسائل اقتصادی خانواده هستند، همچنان زنان دچار عدم امنیت اقتصادی یا به تعبیر اینگلهارت عدم امنیت وجودی هستند، یا دست‌کم احساس عدم امنیت اقتصادی در آن‌ها درونی شده است و بنابراین طبیعی است که به اولویت‌های مادی‌گرایانه اهمیت بیشتری دهند.

یافته جالب توجه در این پژوهش این است که برخلاف نظریه اینگلهارت عوامل اقتصادی از قبیل امنیت‌سازنده، امکانات زندگی، درآمد، یا رابطه معناداری با اولویت‌های ارزشی نداشتند یا رابطه شان ضعیف بود. احساس امنیت اجتماعی رابطه معناداری با اولویت‌های ارزشی پاسخ‌گویان داشت؛ به این صورت که افرادی که در این متغیر (احساس امنیت اجتماعی) نمره پایینی کسب کرده بودند، فرامادی‌گرا بودند. در واقع، افرادی که در متغیر احساس امنیت اجتماعی نمره پایینی کسب کرده‌اند گزینه‌هایی را انتخاب کرده‌اند مانند حرکت به سوی جامعه‌ای انسانی‌تر و دوستانه‌تر یا دادن فرصت بیشتر به مردم برای بیان نظرشان در خصوص تصمیمات دولتی و تصمیم‌گیری‌های مربوط به کار و اجتماع، که گزینه‌هایی مربوط به ارزش‌های فرامادی هستند. متغیر احساس امنیت اجتماعی از جنس شرایط سیاسی و اجتماعی است و با امنیت اقتصادی - که مدنظر مادی‌گرایان است - متفاوت است. این متغیر بیشتر به احساس افراد درباره ثبات تصمیم‌گیری‌های حاکمیت سیاسی مرتبط است.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی و حسن خادمی (۱۳۸۲) «ترجیحات ارزشی دانش‌آموزان تهرانی»، نامه پژوهش فرهنگی، سال هشتم، شماره ۸: ۲۸-۳.
- آزاد ارمکی، تقی و بهمن مسقطیان (۱۳۸۰) «تغییرات فرهنگی در استان مازندران: آزمون تجربی نظریه اینگلهارت»، پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی، سال اول، شماره سوم: ۴۰-۱۳.
- اینگلهارت، رونالد و پل آبرامسون (۱۳۷۸) «امنیت اقتصادی و دگرگونی ارزشی»، ترجمه شهناز شفیعی‌خانی، نامه پژوهش، شماره ۱۵ و ۱۴: ۵۹-۱۰۵.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، چاپ دوم، تهران: کویر.

- اینگلههارت، رونالد (۱۳۸۶) «نوسازی و پسانوسازی»، ترجمه علی مرتضویان، ارغنون، شماره ۱۳: ۱-۳۴.
- خالقی‌فر، مجید (۱۳۸۱) «بررسی ارزش‌های مادی و فرامادی جوانان تحصیل‌کرده ایرانی، عوامل مؤثر بر آن و رابطه آن با برخی از نشانگان فرهنگی»، نامه پژوهش فرهنگی، سال هفتم، دوره جدید، شماره ۳: ۱۵۸-۱۰۷.
- خلیفه، عبدالطیف محمد (۱۳۷۸) بررسی روان‌شناختی تحول ارزش‌ها، ترجمه سید حسین سیدی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- داریاپور، زهرا (۱۳۸۱) «بررسی رابطه اولویت‌های ارزشی شهروندان تهرانی با جنسیت»، نامه پژوهش فرهنگی، سال هفتم، دوره جدید، شماره ۳: ۸۳-۱۰۶.
- کلارک، هارولد و نیتیش دات (۱۳۷۸) «سنجش تغییر ارزش‌ها در جوامع صنعتی غربی: تأثیر بیکاری»، ترجمه فرحناز توکلی، نامه پژوهش، شماره ۱۴ و ۱۵: ۵۴-۳۱.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ نهم، تهران: نی.
- نبوی، عبدالحسین، علی حسین حسین‌زاده و هاجر حسینی (۱۳۸۸) «بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی»، فصلنامه دانش اجتماعی، سال دهم، شماره ۲: ۳۶-۹.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۰) ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، موج اول، ویرایش اول.
- Gallagher, T. (2001) "The Value Orientations Method: A Tool to Help Understand Cultural Differences", *Journal of Extension*, 39 (6): 1-6.
- Granovetter, M. S. (1973) "The Strength of Weak Ties", *American Journal of Sociology*, 78: 1360-80.
- Grondona, M. (2000) "A Cultural Typology of Economic Development", in L. E. Harrison and S. P. Huntington (Eds.). *Culture Matters: How Values Shape Human Progress?* New York: Basic Books: 44-59.
- Inglehart, R. (1997) *Modernization and Post-Modernization: Cultural, Economic and Political Change in 43 Societies*, Princeton: Princeton University Press.
- Inglehart, R. (1999) "Universalism and Postmodern Values", *The Washington Quarterly*, 23 (1): 215-228.
- Inglehart, R. and Baker E. W. (2000) "Modernization, Cultural Change and the Persistence of Traditional Values", *American Sociological Review*, 65: 19-51.
- Lin, N. (1976) *Foundations of Social Research*, New York: Mc Graw-Hill.

- Ryckman, R. M. and D. M. Houston (2003) "Value Priorities in American and British University Students", *The Journal of Social Psychology*, 143 (1): 127-138.
- Schwartz. S. H. and G. Sagie (2000) "Value Consensus and Importance", *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 31 (4): 465-497.

Archive of SID